



این مقاله  
به سفارش حرم مطهر  
امام رضا علیه السلام نگاشته شده و  
در سایت رضوان علم به آدرس  
<http://razavi.aqr.ir/>  
موجود می باشد.

## رهایی از دنیازدگی



دنیا پورمند

دانش آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

### چکیده

موضوع این پژوهش، رهایی از دنیازدگی است. بستر زندگی انسان طبیعت است و نمی تواند بدون بهره مندی از متاع دنیا زندگی کند. اولیای دین با بهره گیری از مواهب همین دنیا به قله های کمال و سعادت رسیده اند. انسان دنیادوست به سبب عدم شناخت دنیا، مجذوب آن شده و آخرت را فراموش کرده است. دنیا وسیله ای برای رسیدن به کمال است و نباید به عنوان هدف زندگی قرار بگیرد. از عوامل دنیادوستی می توان به عدم رشدشناختی، غفلت، هوای نفس، دلفریبی دنیا، وسوسه شیطان و ... نام برد که تقویت ایمان، یادمرگ، الگوگرفتن از معصومین علیهم السلام از راه های مصون ماندن از دنیازدگی است.

**کلید واژه ها:** دنیا، آخرت، دنیادوستی، لذت، زهد.

### طرح مسأله

انسان مانند بذر گلی است که ریشه در خاک دارد. آنگاه به ثمر خواهد نشست که خاک را بشکافد و رو به سوی خورشید هستی کند و روزنه های وجودش را بسوی انوار الهی بگشاید. در چنین صورتی حرکت به سوی رستگاری شروع و فلاح محقق خواهد شد. اما اگر سر در خاک فروکند و چشم به سمت عالم بالا و ملکوت نگشاید و عشق



به کمال او را به حرکت در نیاورد، عاقبتی جز پوسیدگی و تباهی نخواهد داشت. دنیا که مرحله نازل هستی است، پدیده شگفتی است که تا از منظر حق و بصیرت به آن نگاه نشود، قطعاً معرفت، تقابل و تعامل با آن غیر ممکن و گاهی موجب خسران است. در دین اسلام ترک دنیا و لذت‌های حلال و مشروع آن، کار پسندیده‌ای نیست و رهبانیت از نظر اسلام ممنوع است. انسان باید در میان مردم زندگی کند، تشکیل خانواده دهد، از لذایذ حلال و مشروع بهره‌جویی کند؛ اما دلبسته به دنیا نشود. این‌که انسان، دنیا و لذت‌های آن را هدف قرار دهد و از آخرت و معنویات غفلت کند، خود گمراهی بزرگی است و انسان را به سوی آلودگی‌ها و دوری از خدا می‌کشاند.

**در دین اسلام ترک دنیا و لذت‌های حلال و مشروع آن، کار پسندیده‌ای نیست و رهبانیت از نظر اسلام ممنوع است.**

زندگی دنیا، دنیا گفته می‌شود از آن جهت که یا نسبت به زندگی آخرت پست‌تر و ناچیزتر است و یا از این جهت که از آخرت به ما نزدیکتر می‌باشد. (دانش‌نامه قرآن، خرمشاهی، ج ۱، ص ۱۰۶۷) در ضرورت و اهمیت عدم دنیادوستی باید گفت که دنیا بهترین وسیله است که انسان می‌تواند به واسطه آن در آخرت بهترین جایگاه را داشته باشد اما باید توجه داشت تا دنیا هدف و مقصود نباشد. در این تحقیق سعی شده است تا عوامل دنیادوستی و روش‌های مصون ماندن از دنیازدگی بررسی شود.

سوالاتی که در اینجا مطرح می‌شود عبارتند از:  
 ریشه‌ها و عوامل دنیادوستی چیست؟  
 چگونه می‌شود از دنیازدگی مصون ماند؟

فرضیه بر این است که به نظر می‌رسد انسان دنیا دوست به واسطه‌ی عدم شناخت و تکامل معنوی لازم، مجذوب دنیا شده و آخرت را فراموش کرده است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و درون دینی نگاشته شده است. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: مثل دنیا هم چون مار است که بدنی نرم دارد و زهری کشنده درون آن است. فریب خورده نادان به





سوی آن مایل می‌شود و دانای خردمند از آن حذر می‌کند. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۶۲۵)

منظور از علاقه به دنیا، تمایلات طبیعی و فطری نیست، مقصود از علاقه و تعلق، وابسته بودن به امور مادی و دنیا و در اسارت آنها بودن است که توقف و رکود است و ایستادن از حرکت و پرواز است. این است که دنیاپرستی نام دارد و اسلام سخت با آن مبارزه می‌کند. (سیری در نهج البلاغه، مطهری، ص ۲۶۵)

گاهی انسان‌ها در هنگام بهره‌وری از مواهب و نعمتهای الهی، چنان دلباخته و فریفته زرق و برق دنیا می‌شوند که از یاد خدا به کلی غافل شده و تمام هدف و مقصودشان، دنیاپرستی و ثروت اندوزی می‌گردد. روشن است فریفته شدن به دنیا و سپردن دل در گرو آن، دیگر جایی برای خدا و یاد او در قلب باقی نمی‌گذارد. (ذکر و یاد خدا، مظفری، ص ۱۵۷)

**منظور از علاقه به دنیا، تمایلات طبیعی و فطری نیست، مقصود از علاقه و تعلق، وابسته بودن به امور مادی و دنیا و در اسارت آنها بودن است که توقف و رکود است.**

### ریشه‌ی دنیاپرستی

حب دنیا اعم از حب مال، مقام، شهوت جنسی، برتری جویی، تن پروری، انتقام جویی و مانند اینها، گاه چنان طوفانی در روح انسان ایجاد می‌کند که موجب می‌شود انسان حیات دنیا را بر آخرت مقدم دارد. (تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۶، ص ۴۰۶)

می‌دانیم همیشه برای درمان اساسی یک بیماری جسمی باید به سراغ عوامل و ریشه‌های آن رفت چرا که بدون ریشه‌کن شدن آن عوامل، نتایج همچنان باقی و برقرار است و اگر به طور موقت با داروهای مسکن، آثار آن پوشانده شود، باز بعد از مدتی خود را نشان می‌دهد. بیماری‌های اخلاقی نیز به یقین همین‌طور است ابتدا باید ریشه‌یابی شوند، سپس ریشه‌ها را خشکاند.





حضرت علی علیه السلام فرموده اند: از دنیا حذر کنید که دنیا بی وفا و پُر مکر و فریب است، بخشنده ای خسیس و پوشاننده ای برهنه کننده است. (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰)  
به همین منظور در این جا به عوامل و ریشه های دنیاپرستی اشاره می گردد:

### الف) عدم رشد شناختی و اخلاقی

این عامل که زمینه ساز تاثیر دیگر عوامل است و موقعیت را برای نفوذ عوامل دیگر فراهم می سازد، عدم رشد شناختی و اخلاقی آدمی است. آدمی به واسطه ی عدم شناخت و تکامل معنوی لازم، سریع مجذوب دنیا می گردد و آخرت خود را فراموش می کند؛ چرا که همگان می دانیم لذا ید دنیا خود به خود و به طور طبیعی جاذبه دارند و انسان را به سوی خود می کشانند. از این روی کسانی که هنوز رشد معنوی نکرده و دلشان با معارف الهی و امور ماورای حس آشنا نشده است، تحت تاثیر این جاذبه قرار می گیرند و دنیا دوستی و دنیاپرستی در وجودشان جوانه می زند. (ره توشه، مصباح یزدی، ج ۱، ص ۳۲۳)

حضرت علی علیه السلام فرموده اند: «از دنیا حذر کنید که دنیا بی وفا و پُر مکر و فریب است، بخشنده ای خسیس و پوشاننده ای برهنه کننده است»

### ب) هوای نفس

یکی از ریشه های دنیادوستی و دنیاخواهی، پیروی از خواست های نفس است. همه انسانها طبق سرشت خود خدانشناس هستند، ولی در مصداق آن و راه رسیدن به او گرفتار اشتباه می شوند. انبیا آمدند تا خدای حقیقی را به مردم متذکر شوند و راه شناخت و اطاعت از او را به آنها بیاموزند و خود در مقام عمل، الگو و مجری باشند.

### ج) غفلت از حقیقت دنیا

گاهی نیز بی توجهی به حقیقت دنیا زمینه ساز گرفتار شدن به دام دنیادوستی و دنیاطلبی می شود. زیرا خداوند دنیا را بعنوان گذرگاهی برای آخرت قرار داده، و همه زیبایی ها و فریبندگی هایش را در راستای آزمایش انسان ها گذاشته، اما هرکس





دلبستگی و وابستگی شدیدی به آن‌ها پیدا نماید و مسئولیت‌پذیری و آخرت‌گرایی را به دست فراموشی بسپارد؛ پیش از هر چیز خود را تباه و نابود ساخته است. ولیکن اگر هر انسانی به اندازه لازم به آن اهمیت دهد و آن را بعنوان وسیله، نه هدف مورد استفاده قرار دهد سبب سربلندی دنیا و عقبای او خواهد شد. حضرت علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «الدنيا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا وَ لَمْ تَخْلُقْ لِنَفْسِهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۳) دنیا برای رسیدن به آخرت آفریده شده، نه برای رسیدن به خود.

### د) گرایش به اندوختن ثروت و دارایی

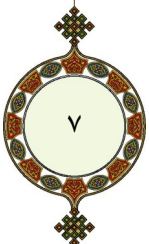
گاهی بیشتر شدن مال و ثروت، و بدست فراموشی سپردن مسئولیت و معیارهای دینی در بهره‌گیری از مال، و ترس از تمام شدن و از دست دادن آن به دنیادوستی هر چه بیشتر می‌انجامد. در این صورت انسان دنیازده دائم به فکر تجمع ثروت خویش و پنهان‌سازی آنها در بانک‌ها و مراکز دیگر شده و از یاد خدا و آخرت غافل می‌ماند.

انسان دنیازده دائم به فکر تجمع ثروت خویش و پنهان‌سازی آنها در بانک‌ها و مراکز دیگر شده و از یاد خدا و آخرت غافل می‌ماند.

### ه) داشتن آرزوهای زیاد

بعضی اوقات آرزوها و طرح‌های دور و دراز دنیایی، زمینه را برای چشم و هم‌چشمی با دیگران فراهم می‌نماید. زیرا کسی که آرزوها و خیالات زیادی را در سر می‌پروراند، برای عملی نمودن و رسیدن به آنها همه چیز خود را فدا می‌نماید. یکی از دلایل فراخوانی اسلام به پرهیز از آرزوهای دور و دراز، پیشگیری از مبتلا شدن به همین آفت است.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: برآستی ترس‌آورترین چیزی که بر شما می‌ترسم دو چیز است: پیروی از هوای نفس و درازی آرزو، پیروی از هوا، انسان را از حق باز می‌دارد و آرزوی دراز آخرت را به فراموشی می‌سپارد. (نهج‌البلاغه، دشتی، خطبه ۴۲)





## و) دل‌فربیی دنیا

جاذبه‌های طبیعی لذایذ دنیا، انسان را مجذوب خود می‌کند. این جاذبه‌ها چنان انسان را مجذوب می‌کند که قدرت اندیشه از وی سلب می‌گردد. البته در کنار این عامل عوامل دیگری نیز هستند که این جاذبه را قوت می‌بخشند. لذا برای نمونه به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱. جاذبه اجتماعی

در هر جامعه‌ای اکثر مردم علاقه شدیدی به دنیا دارند و برای به دست آوردن آن سر و دست می‌شکنند. انسان وقتی مشاهده می‌کند که تلاش جمع زیادی از مردم متوجه به دست آوردن لذایذ دنیوی است، سریع هم‌رنگ جماعت شده و تحت تأثیر موج آن‌ها مجذوب دنیا می‌شود. از طرف دیگر وقتی حضور افراد سرشناس و اشخاص صاحب موقعیت اجتماعی را در این صحنه‌ها مشاهده می‌کند، با توجه به سرشت الگو و تلقین‌پذیری، تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرد، مگر آنکه از اندیشه و اخلاق و شخصیتی توانا و پخته برخوردار باشد. (صهبا‌ی معرفت، نوری، ۳۴۰)

**جاذبه‌های طبیعی لذایذ دنیا، چنان انسان را مجذوب می‌کند که قدرت اندیشه از وی سلب می‌گردد.**

عوامل اجتماعی دیگری نظیر چشم و هم‌چشمی و یا فرار از مذمت دیگران و ... نیز وجود دارند که آدمی را به سمت دنیا می‌کشانند. به عنوان نمونه برخی افراد به منظور فرار از حرف زشت دیگران و یا این که مبدا فامیل و زن و فرزند وی به او بگویند تو بی‌عرضه هستی که کار پُر درآمدی برای خود دست و پا نمی‌کنی و مقام و پست و پولی به دست نمی‌آوری و به یک زندگی محدود قناعت نمودی و ... با سرعت باور نکردنی به سمت دنیا آمده و در آن غرق و از آخرت غافل می‌شوند. (پند جاوید، مصباح یزدی، ص ۲۹۹)





## ۲. وسوسه های شیطانی

عامل دیگری که باید به این عوامل اضافه نمود، عامل وسوسه های شیطانی است که همیشه در همه صحنه ها حاضر است و از دیگر عوامل بهره برداری می کند و موجب روی آوردن انسان به دنیا می شود و دنیا را در نظر انسان دوست داشتنی و پسندیده جلوه می دهد.

## مصونیت از دنیازدگی

برای خلاصی از حب دنیا، بهترین و اثربخش ترین راه، اصلاح نفس و رسیدن به مقام بندگی خداوند است؛ اما راه اساسی اصلاح نفس، طبق آموزه های قرآنی، به کار گرفتن سلسله ای از علوم و معارف الهی و قرآنی است؛ چنان که به قدری آگاه و بصیر گردد که دیگر در نفس او جایی برای حب دنیا و رذایل اخلاقی باقی نماند. (آیه های زندگی، اسکندری، ج ۴، ص ۱۸۲)

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش حقیقت عبودیت چیست؟ فرمودند: سه چیز

**برای خلاصی از حب دنیا، بهترین و اثربخش ترین راه، اصلاح نفس و رسیدن به مقام بندگی خداوند است**

است: اول اینکه بنده برای خود درباره آنچه خداوند به او سپرده احساس مالکیت نکند؛ زیرا بندگان مالک چیزی نیستند، دوم اینکه برای خود بدون در نظر گرفتن خواست و اراده خدا تدبیر و برنامه ریزی مستقلی نکند، سوم اینکه تمام دل مشغولی اش اوامر و نواهی خداوند باشد. نتیجه اش این می شود که اگر بنده ای خود را مالک چیزی نبیند، اتفاق بر او در آنجایی که خداوند امر کرده آسان می شود و اگر بنده تدبیر خویش را به خدا بسپارد، مصیبت های دنیا بر او آسان می شود و اگر دل مشغولی بنده ای، اوامر و نواهی خدا باشد دیگر مجالی پیدا نمی کند تا به جدال و کشمکش با مردم بپردازد. پس هرگاه خداوند بنده ای را با این سه ویژگی گرامی داشت، برخورد با دنیا و مردم برای او سهل و آسان می شود و دیگر دنیا را برای مال اندوزی و فخرفروشی نمی خواهد.





(بحارالانوار، مجلسی، ج ۱، ص ۲۲۴)

از دیگر راه های مصون ماندن از دنیاطلبی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

### الف) تقویت ایمان

یکی از اصلی ترین راه های نجات از حب دنیا، تقویت ایمان است. برای قوی تر شدن ایمان باید یک سری امور مورد توجه قرار گیرد که در این جا به مواردی از آن ها پرداخته می شود.

۱/ تدبر در آیات و روایاتی درباره جهان پس از مرگ

انسان باید آیات و روایات معتبری را که در اوصاف جهان جاودانی پس از مرگ، شرح و تفصیل داده است را با دقت و تدبر و تفکر در آن ها مطالعه کند تا در وی اثر گذارد و شوق رسیدن به آن جهان در او زیاد شود. در صدها آیه از قرآن مجید جهان آخرت را ستایش کرده و بهشت و نعمتهایش را بیان نموده است و در مقابل حیات دنیوی را مذمت کرده و عیب های آن را آشکار نموده است.

یکی از بهترین راه های نجات از حب دنیا، تقویت ایمان است.

«قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى» بگو برخورداری [از این] دنیا اندک و برای کسی که تقوا پیشه کرده، آخرت بهتر است. (نساء: ۷۷) و یا «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی واقعی سرای آخرت است اگر می دانستند. (عنکبوت: ۶۴)

لذا همه اوضاع زندگی این جهان زودگذر است مانند کودکان که در یکجا جمع شوند و بازی کنند و ساعتی شادمان باشند سپس خسته شده از هم جدا شوند. در حقیقت سرای دیگر، زندگانی حقیقی او است که جاودانیست. آیا مسلمانان از شنیدن و خواندن این آیات، از دنیا متنفر و دل بریده اند و به آخرت دل بسته شده اند؛ یا اینکه تنها به زبان و ظاهر اسلام و قرآن را پذیرفته اند ولی به دل و کردار، دل به دنیا بسته اند و به







دنبال آن می‌دوند و آخرت را فراموش کرده‌اند. (ر.ک: قلب سلیم، دستغیب، صص ۸۰۹-۸۱۳)

### ۲) یاد مرگ و قیامت

یاد مرگ، انسان را نسبت به دنیا بی‌ رغبت می‌ گرداند و این امر، موجب حفظ تعادل در زندگی می‌ شود. یک انسان متعادل، نه در خوشایند زندگی، به عیش و مستی می‌ پردازد و نه در ناخوشایند زندگی، به جزع و بی‌ تابی، برای رسیدن به این نقطهٔ تعادل، انسان باید از یاد مرگ غافل نگردد. (رضایت از زندگی، پسندیده، صص ۲۴۹)

پیامبر پیدایش ایمان و علاقه مندی به آخرت با غفلت از آن محال است. دنیاداران چون همیشه هوش و اندیشه و کوشش آنها دنیا است به آن علاقه مند شده اند. اهل آخرت هم که همیشه به یاد آن هستند و برای آن کوشش می‌ کنند به آخرت علاقه مند هستند. بنابراین راه تقویت ایمان و علاقه مندی به آخرت، زیاد به یاد حیات جاودانی بودن و کم کردن غفلت از آن است. به همین دلیل است که در شرع مقدس اسلام، همواره به یاد مرگ بودن و وصیت نامه و کفن خود را آماده نمودن و به آن نگاه کردن، مستحب شمرده شده است.

### پیدایش ایمان و علاقه مندی به آخرت با غفلت از آن محال است.

اموری مانند تشییع جنازه رفتن، در غسل و کفن و دفن مسلمانان شرکت کردن، به زیارت اهل قبور رفتن، همواره یاد اموات بودن و برای آنها خیرات فرستادن نیز جهت دوری از دنیادوستی مستحب شمرده شده است. نتیجه مهمی که می‌ توان گرفت این است که زنده‌ ها همواره به یاد حیات پس از مرگ خود باشند و خلاصه کسی که طالب ایمان و علاقه مندی به آخرت باشد، باید به همان اندازه که در شبانه روز به یاد دنیا و اوضاع آن است بیشتر از آن به یاد آخرت خود باشد تا بدین وسیله ریشهٔ خبیثهٔ حب دنیا از دلش جدا شود و به جایش حب خدا و آخرت جایگزین گردد. (قلب سلیم، دستغیب، صص ۸۱۴)





### ب) زهد و بی رغبتی به دنیا

در دین، دلبسته نبودن به دنیا را زهد می گویند و همین زهد یکی از کلیدهای راحتی و رضایت است. زهد به معنای نداشتن و استفاده نکردن نیست؛ بلکه به معنای دلبسته نبودن است. کسی که دلبسته دنیا نباشد، لذت خود را در آن نمی جوید و به همین جهت، بروز حوادث تلخ زندگی، او را دچار تنش شدید نمی سازد. (رضایت از زندگی، پسندیده، ص ۲۴۳)

### ج) الگو گرفتن از سیره معصومین علیهم السلام

مکتب پرهیز از دنیا و دوری از زخارف آن، از طرف آورنده قرآن کریم، یعنی پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه وآله و سلم آغاز گردید تا پیروانش به آن دل نبندند و فقط برای رفع نیازهای اولیه خود بر مبنای قناعت و با دوری از تبذیر و اسراف، تلاش و کوشش نمایند. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که عارض شود برای او دنیا و آخرت، و او دنیا را انتخاب کند و آخرت را ترک کند، خداوند را ملاقات می کند در حالی که برای او حسنه ای نیست تا از آتش منع کند و کسی که آخرت را اخذ کند و دنیا را ترک کند ملاقات می کند خداوند را روز قیامت در حالی که از او راضی است. (مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۴۳۰)

انسان هر قدر بیشتر به دنبال لذات دنیوی بدود و بدان ها توجه فزون تری داشته باشد، نسبت به آن ها تشنه تر می شود و علقه درونی اش به آن ها افزایش می یابد. اسلام زیاده روی در کسب لذات مادی را روا نمی دارد، بلکه با محدود سازی توجه و نگاه به زرق و برق دنیوی و الگو قرار دادن زندگی ساده و قانع اولیای دین، او را به ساده زیستی فرا می خواند. کم کردن میزان توجه به دنیا، به تدریج وابستگی قلبی او را نیز کاهش می دهد.

**کم کردن میزان توجه به دنیا به تدریج وابستگی قلبی فرد را کاهش می دهد.**





## راه علاج عملی

حضرت امام خمینی رضوان الله علیه، راه علاج عملی حب دنیا را مبارزه منفی با آن می داند، بدین معنا که پس از شناختن مصادیق دنیا، ببیند به کدام یک از آنها حب شدید دارد، در همان زمینه به درمان بپردازد. اگر کسی به مال و ثروت علاقه مند است، همان را درمان کند نه این که به مبارزه با چیزی که بر آن هیچ میلی و گرایشی ندارد، بپردازد. (دوستی با خدا، شیخانی، ص ۹۰)

طریق علاج عملی آن است که معامله به ضد آن کند؛ پس اگر ایشان به مال و منال علاقه دارد، با بسط ید و صدقات واجبه و مستحبه ریشه آن را از دل بکند و یکی از نکات صدقات، همین کم شدن علاقه به دنیا است و مستحب است که انسان چیزی را که دوست می دارد و مورد علاقه اش هست صدقه بدهد. (همان) چنانچه خداوند رحمان در کتاب کریم الهی می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تَنفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۹۲) شما هرگز به مقام نیکوکاران نمی رسید مگر از آنچه دوست دارید در راه خدا انفاق کنید، که همانا خدا به آنچه انفاق می کنید آگاه است. بنابراین وظیفه هر دینداری آن است که اول خود را اصلاح کند و حب دنیا را از دلش بیرون کند سپس از باب نهی از منکر، همسر و فرزندان و دیگران را متنبه سازد و تاجایی که می تواند حب دنیا را که منشأ فساد و ریشه بی ایمانی است را از دل آنها بیرون سازد. از این طریق انجام وظیفه کرده و تا اندازه ای جلوی فساد در اجتماع را بگیرد.

## نتیجه بحث

با تحقیق و بررسی در آیات و روایاتی که در زمینه دنیا و دنیا دوستی بیان شد، نتیجه می گیریم در صورتی که دنیا به عنوان یک وسیله مورد توجه قرار گیرد، مایه سعادت و خوشبختی انسان خواهد شد، اما اگر هدف انسان باشد و در دل او جای گیرد، ریشه و منشأ همه فسادها و تباهی هاست.

از عوامل دنیادوستی به عدم رشدشناختی، هوای نفس، داشتن آرزوهای زیاد، دلفریبی





دنیا و ... اشاره شد که تقویت ایمان، یاد مرگ و قیامت، زهد و بی رغبتی به دنیا و مبارزه منفی با آن از راه های مصون ماندن از حب دنیاست.



## فهرست منابع

\*قرآن کریم

- ۱) آیه‌های زندگی، اسکندری، حسین، تهران، سروش، ۱۳۸۳.
- ۲) بحارالانوار، مجلسی، محمدباقر، تهران، کتابچی، ۱۳۸۴.
- ۳) پند جاوید، مصباح یزدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.
- ۴) تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۵) دانش‌نامه قرآن، خرمشاهی، بهاء‌الدین، تهران، دوستان ناهید، ۱۳۷۷.
- ۶) دوستی با خدا، شیخانی، علی باقر، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
- ۷) ذکر و یاد خدا، مظفری، حیدر، تهران، انتشارات مهرالمؤمنین، ۱۳۸۶.
- ۸) سیری در نهج‌البلاغه، مطهری، مرتضی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰.
- ۹) صهبای معرفت، نوری، محمدجواد، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۶.
- ۱۰) قلب سلیم، دستغیب شیرازی، عبدالحسین، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۴.
- ۱۱) مکارم‌الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، تحقیق: علاء آل جعفر، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۲) نهج‌البلاغه، محمد، دشتی، قم، مشرقین، هفتم، ۱۳۷۵.

